

## المصطلحات

### بَلَّهَ / مو بَلَّه

برای درخواست یا قسم به کار می رود. تورو خدا! / مگه نه؟

- بَلَّهَ تَحْجِي صُدْگ؟ تو رو خدا راست میگی!؟
- هُوَ ايراني، مو بَلَّه؟ اون ایرانیه، مگه نه!؟
- بَلَّه اكو وَحَدَه تَسْوِي اِلِي سَوِيْتِي؟ وای! کسی هست کاری که تو می کنی را بکنه؟
- بَلَّه خلي آشوف موبايك همیشه موبایلت را ببینم؟

### يَلَّه

عجله کن / در آغاز انجام کاری

- يَلَّه، سِدَّ الباب زود باش در رو ببند
- يَلَّه، راح يَمْشِي القطار عجله کن، قطار میره

### صوچ + ضماير متصل / مو صوچ + ضماير متصل

تقصير منه / تقصير من نيست

- موضوعی تقصير من نيست
- صوچک آني ما أسافر تقصير توئه من نميرم سفر